



تقوا، عقل و حکمت؛ سه گوهر گران بها در وجود آیت‌الله حسن‌زاده آملی / معنای «خیرًا کثیرًا» در قرآن

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اظهار کرد: همه کسانی که درباره آیت‌الله حسن‌زاده آملی مطالعه کرده‌اند، می‌دانند که سیره وی در باب تقوا مثال‌زدنی بود...

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اظهار کرد: همه کسانی که درباره آیت‌الله حسن‌زاده آملی مطالعه کرده‌اند، می‌دانند که سیره وی در باب تقوا مثال‌زدنی بود و در قلمرو حکمت، از جمله حکمای جامع تمدن ما هستند و بر فلسفه، حکمت، هیئت، ریاضیات، نجوم، هندسه و حتی ادبیات و گفتن شعر و آشنایی به رموز اشعار مولانا و حافظ تسلط داشتند.

حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به گزارش خبرنگار ایکننا، مراسم گرامیداشت چهلمین روز درگذشت آیت‌الله حسن‌زاده آملی، امروز شنبه ۱۵ آبان ماه، از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: دو سه سال قبل که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مراسم بزرگداشت آیت‌الله العظمی جوادی آملی را برگزار کرد، در شرح خصال ایشان، هم مقالتی نگاشتم و هم مطلبی را در سخنرانی عرض کردم و آن هم همنشینی ذاتی سه گوهر بی نظیر در اندیشه و تمدن اسلامی شامل گوهر تقوا، عقل و حکمت است. شاید در قلمرو مفهومی، این سه گوهر معانی متفاوتی را داشته باشند، اما در قلمرو ریشه و لغت، نسبت جوهری با همدیگر دارند؛ مسئله ای که اینها را پیوند می‌دهد نیز این است که هر سه لغت به معنای منع است.

وی اظهار کرد: حکمت به تعبیر راغب اصفهانی، در «مفردات» از لگام گرفته شده که برای کنترل و هدایت اسب است. تکلیف عقل و تقوا هم روشن است که به معنای حفظ کردن و نوعی خودنگاه داشتن هستند. بنابراین اگر یک عالم علم لغت، به جان این سه واژه اشاره کند، متوجه می‌شود که هر سه به نگاه داشتن یا پایند بر پای نهادن هستند. معتقدم این نسبتی که از لحاظ لغوی بین این سه کلمه وجود دارد، می‌تواند مبنای یک استنتاج گوهری باشد؛ بدین معنا که تقوا در ذات خود اگر به حقیقت باشد، عقل و حکمت را هم دارد. این همنشینی فوق‌العاده مهم است و هرکسی صاحب تقوا باشد، یقین بدانید صاحب حکمت و عقل هم هست.

سه گوهر عالمان حقیقی در تمدن اسلامی

بلخاری یادآور شد: عالمان حقیقی در تمدن اسلامی صاحب این سه گوهر هستند. بر بنیاد حکمت جوهری شان، عقلانیتی در اندیشه و تعلیم شان وجود دارد که مثال‌زدنی است. همچنین تقوایی در گفتار، کردار و خصال آنها وجود دارد که این هم مثال‌زدنی است. بنده در آن جلسه حضرت آیت‌الله جوادی آملی را یکی از مثال‌های همنشینی عقل و تقوا و حکمت دانستم و در اینجا بنا دارم مرحوم مغفور حسن‌زاده آملی را نیز مصداق این موضوع بدانم. همه کسانی که در باب ایشان مطالعه کرده‌اند، می‌دانند که سیره وی در باب تقوا مثال‌زدنی بود و در قلمرو حکمت، از جمله حکمای جامع تمدن ما هستند و بر فلسفه، حکمت، هیئت، ریاضیات، نجوم، هندسه و حتی ادبیات و گفتن شعر و آشنایی به رموز اشعار مولانا و حافظ تسلط داشتند. این جنس جدی حکمت در تمدن اسلامی است.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تصریح کرد: در قرآن کریم آمده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۗ» خدا فیض حکمت را به هر که خواهد عطا کند، و هر که را به حکمت و دانش رسانند درباره او مرحمت و عنایت بسیار کرده‌اند، و این حقیقت را جز خردمندان متذکر نشوند» (بقره/ ۲۶۹) اگر در قرآن، حکمت معروف به خیر کثیر است، بیانگر این است که اگر به کسی حکمت بدهند، عقل و تقوا هم می‌دهند یا شاید تقوای آنها سبب می‌شود مشمول این رحمت الهی قرار گیرند. آن کسی که در جوهر خود، طلب حکمت را بیوراند، این شخص در سیره عملی خود، هم قطعاً گرایش عقلی به فلسفه و هم عرفان عملی و هم عرفان نظری پیدا می‌کند و عاملیت در مبنای رمزگونه عرفانی دارد. این ویژگی ذاتی و جوهری حکمت است.

معنای خیرًا کثیرًا

وی گفت: «خیرًا کثیرًا» در قرآن بیانگر جامعیت مفهوم حکمت و آثار گران بها و بی‌نظیر آن است. حال اگر به مجموعه آثار و تألیفات جناب استاد حسن‌زاده آملی نگاه کنید، به این مسئله پی می‌برید که ایشان از نمادهای آن است؛ مثلاً یک همت عالی در

پرداختن به «فصوص الحکم» ابن عربی داشتند. این کتاب از جمله کتب عظیمی است که حاوی شگرف ترین معانی در تمدن اسلامی به ویژه در حوزه عرفان و حکمت است و قطعاً کسی که با علامه حسن زاده آملی انسی داشته و با آثار ایشان آشنا باشد می داند که ایشان نگاهی ویژه به فصوص الحکم داشتند.

بلخاری تأکید کرد: همچنین به آثار ابن سینا، خواجه نصیر، مولانا، ملاصدرا و حافظ توجه داشتند و خوشا به حال تمدنی که چنین بزرگانی را در دل خود پرورانده که عاشقان حقیقی می توانند از آنها خرمن خرمن معنا برگیرند. کسانی که در حوزه آن خیر کثیر حکمت به دانش ها و علوم مختلف نظر دارند، آن دانش ها را در حاق حقیقی خودشان مورد ادراک قرار می دهند. از درگاه حضرت حق تعالی خواستارم روح ایشان با علما، اولیا و عرفا مانوس و محشور شود.

حجت الاسلام قادر فاضلی، استاد حوزه و دانشگاه نیز در این نشست اظهار کرد: مرحوم علامه حسن زاده آملی، هم شاعر، هم ریاضیدان، منجم، فقیه، مفسر و عارف بود و مصداق این شعر است «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری». بنده سال ها در محضر مرحوم علامه حسن زاده آملی بودم و از محضر ایشان بهره می بردم. البته آشنایی بنده با ایشان از طریق کیهان فرهنگی بود که اوایل دهه شصت چاپ می شد.

وی ادامه داد: در هر شماره ای با یکی از شخصیت ها مصاحبه می شد و در یکی از این شماره ها با استاد حسن زاده مصاحبه شده بود که با خواندن آن به ایشان علاقه پیدا کردم، لذا به درب منزل علامه حسن زاده رفتم و گفتم که می خواهم از محضر شما استفاده کنم که فرمودند شما از دور آب می بینی، اما به نزدیک که بیایی سراب می بینی، اما گفتم به هر حال به شما نیازمند هستیم.

در ادامه، حجت الاسلام قادر فاضلی یادآور شد: شرح «فصوص الحکم» از سال ۱۳۶۵ شروع شده و سال ۱۳۶۸ به پایان رسیده است. ما ۴۸۲ جلسه این کتاب را از اول تا آخر در محضر مرحوم استاد حسن زاده آملی خواندیم. خاطرات بسیار خوبی هم با ایشان داریم که ان شاء الله بنا داریم تحت عنوان «پادنامه علامه» چاپ کنیم.

همچنین منوچهر صدوقی سها، عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: یکی از دایمی های بنده که از طلاب زمان مرحوم بروجردی در قم بودند و بعدها کارمند دولت شده و به مازندران منتقل شده بود، در آمل خدمت مرحوم استاد حسن زاده برای تربیت اخلاقی رسیده بودند. دایمی بنده که اخیراً از دنیا رفتند، ارادت واقعی نسبت به مرحوم استاد حسن زاده داشتند، لذا ما هم با ایشان بیشتر آشنا شده و موجباتی فراهم شد که در قم در منزل ایشان نزدیک به مدرسه سعادت خدمت علامه حسن زاده برسم.

اساتید مرحوم حسن زاده آملی

وی ادامه داد: درباره اساتید مرحوم استاد حسن زاده باید عرض کنم که صرفاً در محدوده فلسفه و عرفان، تا جایی که بنده می دانم، وقتی از آمل به تهران تشریف می آورند، خدمت شیخ محمد تقی آملی می رسند که در نزد اهل علم از طراز اول فقها و علما بوده اند و ظاهراً آشنایی ایشان با اساتید تهران از طریق مرحوم محمد تقی آملی بوده است. همچنین خدمت شیخ علی محمد جولستانی می رسند و خودشان چند بار به تلمذ در محضر ایشان اشاره کرده اند. همچنین از محضر علامه شعرانی بهره برده اند. مرحوم الهی قمشه ای و محمدحسین فاضل تونی، از دیگر اساتید مرحوم حسن زاده آملی در تهران بوده اند. بعد از اینکه به قم مشرف می شوند، ارتباط شان بیشتر با دو برادر جلیل القدر یعنی مرحوم علامه طباطبایی و سیدمحمدحسن الهی بوده است.

صدوقی سها تصریح کرد: از روز اولی که درس خوانده ایم، به ما گفته شده علم انسان ها نوعاً علم حصولی است که از بیرون بر درون انسان نقش می بندد، لذا عرفان نظری نمی تواند حقیقت علم باشد بلکه حقیقت علم، آن تطور نفس انسان به علمیت است و اینکه ذات انسان تبدیل به علم شود. تا جایی که بنده می دانم استاد حسن زاده این را از سیدمحمدحسن الهی، برادر بزرگوار مرحوم علامه طباطبایی گرفته بودند.

وی در پایان سخنان خود گفت: نکته دیگر درباره شرح فصوص الحکم است. متأسفانه امروزه زیاد می شنویم که ایشان مطالبی را در آنجا آورده اند که بسیار در معرض بدگویی واقع شد، اما کسانی که از این کتاب بد می گویند، متوجه یک معنا نبوده و نیستند و آن این است که اگر بنده چیزی را به عنوان یافته خودم خدمت دیگران عرض می کنم، ممکن است دیگران آن را قبول نداشته باشند و باید با دلیل، آن را رد کنند و صرفاً دنبال بدگویی نباشند، اما اگر من کتاب شخص دیگری را شرح کردم، آیا نباید تصور کنید که ممکن است مطلبی در آنجا بیاورم که مطلوب خود بنده هم نباشد، چراکه بنده شارح هستم و استقلالی ندارم و صرفاً حرف دیگری را بسط می دهم. لذا ممکن است استاد حسن زاده مطالبی را از ابن عربی بیان کرده باشند. بنابراین کسی حق ندارد

اینچنین بر ایشان ایراد بگیرد، چراکه مرحوم استاد حسن زاده صرفاً شارح بوده اند. بنابراین چنین روشی که برخی در پیش گرفته اند، نباید حالت همگانی پیدا کند، چراکه کار درستی نیست.